



Yemen: Ongoing Crisis and Future Scenarios in a Context of Complexity

Abolghasem Shahriari¹ | Seyyed Saeed Seyyedi² | Nooh Davari³

1. PhD in Political Science, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University, Mashhad, Iran. gasem2244@gmail.com
2. Graduated of Master's degree in International Relations, Ferdowsi University, Mashhad, Iran.
3. PhD student in International Relations, Islamic Azad University, Rafsanjan Branch, Rafsanjan, Iran.

Volume info

Vol. 18
Series: 68
Autumn 2025
P.P: 173-191

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
2025-06-27
Revised:
2025-09-01
Accepted:
2025-09-09
Published:
2025-11-29

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2538-1857
E-ISSN: 2645-5250



Abstract

The aim of this study is to examine the key drivers influencing the Yemen crisis and to explore possible future scenarios based on current conditions. To achieve this, sixteen variables across four dimensions were identified and presented to experts on Yemen, who were asked to assess the mutual influence of each variable. Given the complexity and breadth of the identified variables, complexity theory was adopted as the theoretical framework to enhance analytical capacity. Among the available foresight techniques, scenario planning using the Scenario Wizard software was selected. The study's findings indicate that four plausible futures for Yemen can be derived from the interaction of the sixteen variables. The most critical driving variables identified include: the dysfunctional political structure, ethno-sectarian divisions, and the absence of a national government. One of the key findings of the study is that Iran and Saudi Arabia, as two influential actors in the Yemen crisis, play a facilitative role in conflict resolution and possess the potential to reduce tensions. However, this influence does not equate to resolving the crisis. Although the Iran–Saudi agreement has created a space for diplomatic dialogue, it has failed to address the structural causes of the crisis, such as the lack of a national government, foreign interventions, and economic collapse. In conclusion, the study argues that achieving sustainable peace in Yemen requires the establishment of inclusive political frameworks, a reduction in external interventions, and the disruption of internal cycles of violence.

Keywords: Yemen crisis, futures studies, scenario, complexity theory, internal structure.

Cite this article: shahriari, A., seyeyedi, S. S., & davari, N. (2025). Yemen: Ongoing Crisis and Future Scenarios in a Context of Complexity. *Security Horizons*, 18(68), 173-191. [DOI: 20.1001.1.25381857.1404.18.68.6.0](https://doi.org/10.1001.1.25381857.1404.18.68.6.0)



Publisher: Imam Hossein University.

© The Author(s).



یمن؛ استمرار بحران و سناریوهای آینده در وضعیت پیچیدگی

ابولقاسم شهریاری^۱ | سید سعید سیدی^۲ | نوح داوری^۳

۱. دانش‌آموخته دکتری تخصصی علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. saeed.sew.88@gmail.com
۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.
۳. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رفسنجان، رفسنجان، ایران.

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی پیش‌بینی‌های مؤثر بر بحران یمن و سناریوهای محتمل بر اساس شرایط موجود است. جهت انجام این امر، ۱۶ متغیر در ابعاد چهارگانه شناسایی گردید و در اختیار کارشناسان مسائل یمن قرار گرفت تا اثرگذاری مقابل هریک از متغیرها را اعلام نمایند. با توجه به گستردگی متغیرهای شناسایی شده و به جهت افزایش توان تحلیل نظری، نظریه پیچیدگی به‌عنوان چارچوب نظری انتخاب گردید. از میان تکنیک‌های موجود در آینده‌پژوهی، سناریونویسی با نرم‌افزار سناریوویزارد انتخاب شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که چهار آینده محتمل برای یمن از ترکیب ۱۶ متغیر قابل تصور است. مهمترین متغیرهای شناسایی شده که نقش پیش‌بین را دارا هستند عبارت‌اند از: ساختار ناکارآمد سیاسی، شکاف قومی- مذهبی و فقدان دولت ملی. همچنین از جمله یافته‌های مهم پژوهش این موضوع است که ایران و عربستان به‌عنوان دو نیروی تأثیرگذار بر بحران یمن، دارای نقش تسهیل‌گر در حل بحران هستند و از توان کاهش بحران برخوردارند، اما این تأثیرگذاری به معنای حل بحران نخواهد بود. توافق ایران-عربستان اگرچه فضایی برای گفتگوهای دیپلماتیک فراهم کرده، اما نتوانسته است عوامل ساختاری بحران از جمله عدم تشکیل دولت ملی، مداخله خارجی و فروپاشی اقتصادی را در این کشور بهبود دهد. در انتها استدلال می‌شود که دستیابی به صلح پایدار در یمن مستلزم ایجاد چارچوب‌های سیاسی فراگیر، کاهش مداخلات خارجی و قطع حلقه‌های بازخوردانی خشونت داخلی است.

کلیدواژه‌ها: بحران یمن، آینده‌پژوهی، سناریو، نظریه پیچیدگی، ساختار داخلی

سال و شماره

سال ۱۸، پیاپی: ۶۸

پاییز ۱۴۰۴

صص: ۱۷۳-۱۹۱

نوع مقاله

مقاله پژوهشی

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۹/۰۸

شابا چاپی و الکترونیکی

شابا چاپی: ۱۸۵۷-۲۵۳۸

الکترونیکی: ۵۲۵۰-۲۶۴۵



استناد: شهریاری، ابولقاسم، سیدی، سید سعید، و داوری، نوح. (۱۴۰۴). یمن؛ استمرار بحران و سناریوهای آینده در وضعیت پیچیدگی. فصلنامه آفاق امنیت، ۱۸(۶۸)، ۱۷۳-۱۹۱.
DOI: 20.1001.1.25381857.1404.18.68.6.0

©
نویسندگان.

ناشر: دانشگاه جام امام
حسین(ع).



OPEN ACCESS

مقدمه

بحران یمن که از آن به عنوان یکی از فاجعه‌بارترین بحران‌های انسانی معاصر یاد می‌شود، نزدیک به یک دهه است که با ترکیبی از فروپاشی حکومت مرکزی، درگیری‌های داخلی و مداخلات خارجی تشدید شده است. از زمان بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۱، یمن به به‌طور ویژه‌ای به عرصه رقابت تبادلات منطقه‌ای وارد شده است و جهت‌گیری‌هایی را نیز در میان نیروهای تأثیرگذار داخلی و خارجی منطقه خاورمیانه برانگیخته است. پیچیدگی این بحران ناشی از عوامل چندلایه‌ای است: نهادهای دولتی فروپاشیده، شکاف‌های تاریخی اجتماعی میان شیعیان زیدی و اهل سنت شافعی و منافع استراتژیک بازیگران جهانی برای تسلط بر نقاط حیاتی مانند تنگه باب‌المنندب و مسیرهای ترانزیت جهانی (Shawkat:2023,8).

با انقلاب یمن در سال ۲۰۱۲، گروهی از شیعیان یمن که به حوثی‌ها و در ادامه به انصارالله معروف شدند و روابط نزدیکی نیز با جمهوری اسلامی ایران دارند، توانستند تا سال ۲۰۱۴ بخش‌های مهمی از یمن به‌خصوص پایتخت (صنعا) را به تصرف خود درآورند. با فرار رئیس‌جمهور تحت حمایت شورای همکاری خلیج فارس این کشور (منصور هادی) به عربستان و درخواست کمک از این کشور و سازمان ملل، عربستان سعودی دست به ایجاد ائتلافی از کشورهای عرب منطقه زد و در ۲۶ مارس ۲۰۱۵ به یمن حمله نظامی را آغاز کرد که این حمله اوج‌گیری بحران یمن را به اثبات رساند چراکه بحران از یک مسئله داخلی و تغییر نظام سیاسی که لاقفل در خاورمیانه دارای تواتر طولانی بوده است، به یک مسئله فراملی و بین‌المللی تبدیل گردید. همچنین کشورهای غربی نیز با تصویب قطعنامه ۲۲۱۶ در شورای امنیت سازمان ملل از این اقدام عربستان دفاع کرده که به نوعی سعی در مشروعیت بخشیدن به این حمله نظامی داشتند. قطعنامه ۲۲۱۶ شورای امنیت سازمان ملل متحد با ۱۴ رأی مثبت که اساساً از ائتلاف سعودی و دولت منصور هادی علیه انصارالله حمایت می‌کرد، در آوریل ۲۰۱۵ به تصویب رسید. این قطعنامه بدون اشاره به عملیات نظامی عربستان در خاک یمن، انصارالله را تحریم کرد، فروش تسلیحات به انصارالله را ممنوع کرد و منصور هادی را به عنوان حاکم مشروع یمن اعلام نمود. همچنین از شورشیان (نیروهای مردمی) خواسته شد تا صنعا را خلع سلاح و ترک کنند. این یک قطعنامه یک‌طرفه بود که زمینه کمی برای سازش و دیپلماسی فراهم نمود و عملاً مسئله داخلی یمن را به

یک بحران بین‌المللی بدل ساخت (Riedel:2020,123). این تحولات تا سال ۲۰۲۲ ادامه داشت و در اکتبر ۲۰۲۲ اعلام آتش‌بس میان طرف‌های درگیر صورت گرفت، که تا به امروز نیز این آتش‌بس پابرجاست.

از آوریل ۲۰۲۲ نمایندگان انصارالله یمن و عربستان در مذاکرات دوجانبه برای پایان دادن به جنگ در یمن شرکت کردند. این تلاش‌ها با اعلامیه فرستاده ویژه سازمان ملل در امور یمن، هانس گراندربرگ، مبنی بر اینکه طرف‌های درگیر متعهد به مجموعه‌ای از اقدامات برای اجرای آتش‌بس سراسری هستند، به اوج خود رسید. در آوریل ۲۰۲۳ و با توافق صورت گرفته میان ایران و عربستان، ائتلاف به رهبری عربستان اکثر محدودیت‌هایی را که بر کالاهای تجاری که وارد بنادر یمن می‌شدند، لغو کرد و اولین کشتی باری تجاری پس از هفت سال به بندر الحدیده که تحت کنترل انصارالله است، رسید (Washingtonpost,2023/7/11). سازمان ملل نیز گفته است که سعودی‌ها به آتش‌بس پایبند بوده و از زمان انقضا به اجرای آن ادامه داده‌اند. فرودگاه صنعا و بندر الحدیده فعال هستند و شرایط اصلی انصارالله در طول آتش‌بس را برآورده می‌کنند (Agsiw,26/12/2022). از سال ۲۰۱۸، انصارالله کنترل خود را بر نهادهای دولتی در صنعا تثبیت کرده است. در آوریل ۲۰۲۲، چند روز پس از اجرایی شدن آتش‌بس، منصور هادی، تحت فشار ائتلاف به رهبری عربستان، اختیارات خود و معاونش را به یک شورای هشت نفره (شورای ریاست جمهوری) منتقل کرد (ACLEd,2022/12).

وضعیت کنونی یمن یک تقسیم جغرافیایی غیررسمی است که کم‌وبیش مشابه وضعیت یمن قبل از اتحاد در سال ۱۹۹۰ است. مناطق تحت کنترل انصارالله و کمیته‌های مردمی شامل حضور در ۱۵ استان در غرب و مرکز یمن است که پایتخت، شهرهای بزرگ و اکثریت جمعیت این کشور را شامل می‌شود. جنبش انصارالله و دولت نجات ملی یمن، مورد حمایت اکثریت مردم یمن، حزب کنگره مردمی و سایر احزاب یمنی و همچنین حمایت خارجی ایران و گروه‌های مقاومت اسلامی قرار دارند. مناطق تحت کنترل نیروهای ائتلاف سعودی شامل حضور در ۱۳ استان یمن است که بیشترین مساحت از این کشور را شامل می‌شود، اما بخش غالب این مناطق شامل مناطق بیابانی و خالی از سکونت است. علیرغم این موضوع، منابع نفتی، سواحل جنوبی یمن و چند نقطه استراتژیک در کنترل ائتلاف سعودی قرار دارد. ائتلاف سعودی از این موارد، به‌عنوان ابزارهای

فشار بر انصارالله در مذاکرات استفاده نموده است. با این وجود و علیرغم دسترسی نیروهای ائتلاف سعودی به تمامی مناطق تحت کنترل مخالفین انصارالله، جناح‌های تابع این ائتلاف چنین امکانی را ندارند و برای تحت کنترل گرفتن این مناطق با یکدیگر رقابت و درگیری مسلحانه دارند. جلوه نوین در بحران یمن، پس از طوفان الاقصی و ورود انصارالله به تقابل با اسرائیل شکل گرفته است که به بمب باران مناطق تحت اختیار انصارالله توسط نیروهای موسوم به ائتلاف بین‌المللی که عملاً به‌طور کامل آمریکائی است، منتهی شده است و به کشتار مردم و تخریب زیرساخت‌های این کشور منتهی شده است اما بحران همچنان در اوج قرار دارد.

بر این اساس، هدف پژوهش حاضر، ابتدا شناسایی متغیرهای مؤثر بر بحران یمن و سپس تحلیل اثر آنها بر آینده بحران یمن از طریق سناریونویسی است. با توجه به روش آینده‌پژوهی، مقاله فرضیه آزما نیست و سناریوهای منتج از اثرگذاری متقابل متغیرها تشریح خواهند شد.

ادبیات نظری

نظریه پیچیدگی

نظریه پیچیدگی با این موضوع شروع می‌شود که جهان آن‌قدر پیچیده است که بسیار غیرقابل پیش‌بینی است. مطابق نظریه پیچیدگی، هم جهان طبیعی و هم جهان اجتماعی از سیستم‌های پیچیده تشکیل شده‌اند. جهان‌بینی علم پیچیدگی با علم نیوتنی تفاوت اساسی دارد، درحالی‌که جهان نیوتنی مکانیکی، ساده، همزمان، قطعی و قابل پیش‌بینی است؛ جهان پیچیدگی، ارگانیک، پیچیده، تاریخی، نامشخص و غیرقابل پیش‌بینی است. بنابراین، علم پیچیدگی، چالش پارادایمیک مهمی را برای علم نیوتنی نشان می‌دهد (Ma:2007,60).

به‌طور کلی سیستم‌های پیچیده دارای ویژگی‌هایی متفاوت از سیستم‌های ساده می‌باشند که عبارت‌اند از: (یک) سیستم‌های پیچیده نسبت به تغییر و تحولات محیطی بسیار حساس‌اند. این ویژگی با توجه به تعامل خارجی سیستم می‌باشد. (دو) عناصر سیستم‌های پیچیده بسیار به یکدیگر وابسته می‌باشند به گونه‌ای که هرگونه تغییری در یک عنصر و اجزا سیستم باعث تغییر در عناصر دیگر می‌شود. این ویژگی اشاره به تعامل داخلی سیستم دارد. (سه) برخلاف قوانین رفتاری سیستم‌های ساده که از اجماع رفتار اجزا سیستم، رفتار کلی سیستم شکل می‌گیرد، سیستم‌های

پیچیده از طریق آستانه پیچیدگی شناخته می‌شوند. (چهار) کنترل در سیستم‌های پیچیده بخشی و جزئی است. در سیستم‌های پیچیده رفتارها قابل پیش‌بینی نیست؛ بنابراین کنترل نیز نمی‌تواند کامل و مطلق باشد. (پنج) سیستم‌های پیچیده خود انطباق‌دهنده هستند؛ بنابراین در شرایط متنوع محیطی رفتارهای مختلفی را از خود بروز می‌دهند (ghasemi & Faraji, 2017: 119).

یک سیستم پیچیده سیستمی است که در آن حداقل دو بخش به‌صورت پویا در تعامل هستند تا به‌عنوان یک کل عمل کنند. اجزا سیستم به هم متصل هستند و هر بخش از زیرسیستم‌هایی تشکیل شده است که در یک سیستم بزرگ‌تر تودرتو هستند. سیستم‌های پیچیده ویژگی‌هایی را نشان می‌دهند که از خصوصیات تک‌تک اجزای آنها مشخص نیست (Serrat:2009,3). بر این اساس پیچیدگی به‌نوعی بیشتر با روابط آن مشخص می‌شود تا اجزای سازنده آن، پیچیدگی فرض می‌کند که سیستم‌های پیچیده به شکل‌های نوظهور خودسازمان‌دهی می‌شوند که نمی‌توان آنها را با درک اجزای آنها پیش‌بینی کرد (Kavalski:2007,438).

با پیچیده شدن سیستم بین‌المللی و به‌تبع آن سیستم‌های منطقه‌ای به‌عنوان زیرمجموعه‌های آن، چارچوب تحلیلی پدیده‌های روابط بین‌الملل در سطوح جهانی و منطقه‌ای نیز با تغییرات مهمی روبه‌رو گردیده است و به همین سبب بهره‌گیری از ابزارهای نوین تحلیلی، به‌ویژه در حوزه نظری به‌عنوان یکی از مهمترین ضروریات رشته علمی روابط بین‌الملل مطرح می‌باشد. در این میان طرح نظریات نوین از جمله نظریه سیستم‌های پیچیده می‌تواند با توجه به تمرکز نظری آنها بر موضوع پیچیدگی، بر کارآمدی تحلیلی علم روابط بین‌الملل بیفزاید. عرصه سیاست بین‌الملل به پایان مدل ایستا و نیوتنی نزدیک می‌شود که در آن، دولت‌ها به‌عنوان بازیگران یکپارچه و خودمحمور در چارچوب قواعد تعیین‌گرایانه در درون سیستم عمل می‌کنند. محیط جدید بین‌الملل به مدل مکانیک کوانتومی با بازیگران متعدد نزدیک می‌شود که بسیار پیچیده و پویا است و نیروهای غیرمادی در آن توانایی ایجاد تغییر دارند. (Onar&Kavalski:2023,4)

بحران یمن نمونه‌ای از یک سیستم انطباقی پیچیده است که در آن کنشگری محلی، ژئوپلیتیک منطقه‌ای و دینامیک‌های سیاست بین‌الملل به شیوه‌ای غیرقابل پیش‌بینی تعامل دارند. برای رمزگشایی این تعاملات، این پژوهش از نظریه پیچیدگی که پارادایمی است که بر روابط غیرخطی، مجذوب‌کننده‌های ناآشنا، حساسیت به شرایط اولیه و خودسازمان‌دهی تأکید دارد، بهره می‌گیرد.

اصول بنیادی نظریه پیچیدگی

۱- اصل غیرخطی بودن: سیستم جهانی به عنوان یک سیستم پیچیده و آشوبی متصور است که به صورت غیرخطی عمل می نماید؛ غیرخطی عمل کردن، گویای نامتناسب بودن ورودی و خروجی سیستم می باشد؛ ورودی هر چند ناچیز، می تواند پیامدهای بسیار شدیدی را در پی داشته باشد و بالعکس (قاسمی، ۱۴۰۰؛ ۱۴۹). برخلاف مدل های خطی علت-معلولی، سیستم های پیچیده نتایج نامتناسبی از ورودی های کوچک تولید می کنند. به عنوان مثال، مداخله نظامی عربستان در سال ۲۰۱۵ با توجه بازگرداندن دولت یمن طراحی شد، اما در عوض به تخریب و کشتار غیرنظامیان و همچنین محاصره و قحطی گسترده در یمن منجر شد، که نمونه ای از تشدید پیامدهای ناخواسته می باشد.

۲- حساسیت به شرایط اولیه: در اینجا حداقل تغییر در نرخ رشد انرژی وارد می تواند تغییرات شدید رفتاری را در پی داشته باشد. مدل وابستگی حساس پیامدهای گوناگونی را در پی دارد از جمله: سبب شکل گیری اثرات پروانه ای در سیستم بین الملل خواهد شد؛ پیش بینی مسیر آشوب را سخت تر می کند؛ تأثیر پذیری سیستم از آشفتگی ها حتی در میزان ناچیز نیز به شدت افزایش می یابد و وابستگی حساس می تواند مسیر رفتارهای آشوبی را به سمت وضعیت مطلوب در نوسانات دوره ای سبب شود. سیستم های پیچیده حساسیت به تغییرات در شرایط اولیه و رویدادهای تصادفی را نشان می دهند. بنابراین، کنشها اثرات غیرمستقیم و پیچیده ای دارند و ممکن است پیامدها با نیت هیچ یک از بازیگران مطابقت نداشته باشد (قاسمی و فرجی، ۱۳۹۷؛ ۱۲۳). تغییرات کوچک در ورودی های سیستم، مانند توافق ۲۰۲۳ ایران و عربستان، می تواند به آینده های واگرا منجر شوند. این اصل، مشابه اثر پروانه ای، توضیح می دهد که چرا وضعیت یمن علیرغم تحولات دیپلماتیک همچنان بی ثبات است.

۳- خودسامان دهی: سیستم های پیچیده با اجزای آنها، حلقه های بازخورانی بین آن اجزا و ارتباطات متقابل متعدد بین زیرسیستم های آنها شناخته می شوند. از ویژگی های مهم سیستم های پیچیده، قدرت مانور اجزای تشکیل دهنده آن است. خودسامان دهی پاسخ سیستم های پیچیده به غیرقابل پیش بینی بودن را تعریف می کند (Kavalski, 2007, 440). خودسامان دهی یکی از ویژگی های کلیدی سیستم های پیچیده است. خودسامان دهی به فرآیندی اشاره دارد که در آن

تعامل مستقل واحدهای مجزا منجر به ظهور سیستم‌های پیچیده از پایین به بالا می‌شود. خودسامان‌دهی ارتباط نزدیکی با مفاهیم بازخورد، یادگیری و خودتنظیمی دارد (Bousquet&Curtis,2011,55). انصارالله با ایجاد دولت نجات ملی و همچنین ایجاد نهادهای حکومتی تلاش می‌کند ساختارهای فروپاشیده سیاسی را در مناطق تحت کنترل خویش بازسازی نماید، که این خود نشانی از خودسامان‌دهی می‌باشد.

۴- مجذوب‌کننده‌های ناآشنا: از کاربرت‌های مدل مجذوب‌کننده‌های ناآشنا، مربوط به شکل‌گیری یا تشدید بحران‌هایی است که ممکن است سبب تغییر یا حتی نابودی سیستم بین‌الملل موجود شوند. بحران‌ها ممکن است در نقاطی رخ دهند که از قبل پیش‌بینی نشده باشند. به‌طور کلی مجذوب‌کننده‌های ناآشنا، وضعیت غافلگیری در رخداد پدیده‌های راهبردی را به‌عنوان واقعیتی اساسی مطرح می‌کنند. غافلگیری در آغاز بحران، تشدید بحران یا حتی پایان بحران از آن جمله است (قاسمی، ۱۳۹۷؛ ۱۵). مجذوب‌کننده‌های ناآشنا در بحران یمن، انقلاب در یمن و در ادامه تهاجم عربستان به این کشور و همچنین عملیات ۱۷ اکتبر حماس علیه رژیم صهیونیستی قابل تبیین است، به این صورت که این تحولات موجب آغاز و همچنین گسترش بحران در یمن شده است. توافق میان ایران و عربستان و همچنین مذاکرات صلح میان انصارالله و عربستان نیز در جهت کاهش بحران در یمن قابل بررسی است.

پیشینه پژوهش

بحران یمن به‌عنوان یک پدیده تأثیرگذار بر روابط منطقه‌ای و بین‌المللی در سالیان اخیر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است لیکن بررسی پیشینه موجود حاکی از آن است که پژوهشی با مبانی نظریه پیچیدگی و روش سناریونویسی برای بررسی شبکه متغیرهای مؤثر که مؤید وجود پیچیدگی در بحران است به انجام نرسیده است که این موضوع اهمیت و درعین حال ضرورت پژوهش را نمایان می‌سازد. با این وجود، تحقیقاتی وجود دارند که به لحاظ محتوایی با پژوهش حاضر دارای قرابت محتوایی هستند که در جدول ذیل مهمترین آنها به‌اختصار تشریح شده است.

جدول ۱. پیشینه پژوهش

نویسندگان	دستاورد
پوردانش و همکاران (۱۴۰۱)	تأثیر متقابل دو دسته عوامل ساختاری (ساختارهای داخلی یمن، موازنه قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی و ژئوپلیتیک) و کارگزاری (دولت ورشکسته یمن، بازیگران منطقه‌ای، بازیگران غیردولتی و سازمان ملل متحد) موجب گردیده تا این بحران همچنان تداوم داشته باشد؛ بنابراین تعدد متغیرها و پیچیدگی شرایط داخلی یمن و محیط خاورمیانه مانع از آن می‌گردد که بتوان آینده روشنی برای پایان زودهنگام بحران ترسیم نمود.
سلطانی و همکاران (۱۴۰۰)	سه سناریو برای یمن محتمل است: سناریوی اول ادامه روند جنگ است که پیامدهای امنیتی نامطلوبی در عرصه بین‌المللی و داخلی دارد. سناریوی دوم دعوت به گفتگو است که موجب افزایش امنیت تردد دریایی می‌شود. سناریوی سوم حمایت از عربستان جهت نابودی انصارالله است که امنیت را با خطر مواجه می‌سازد.
علوی وفا و عراقچی (۱۳۹۸)	ظهور انصارالله ناشی از توانایی آنها در جذب قبایل شمال یمن و ارائه گفتمان عدالت‌خواهانه و ضد فساد است. از سوی دیگر، جنبش‌های جدایی‌طلب جنوب مانند شورای انتقالی جنوب (STC) اغلب محصول ناراضی‌های تاریخی و دستکاری‌های سیاسی عربستان سعودی و امارات متحده عربی در این مناطق توصیف می‌شوند.
علی پور و همکاران (۱۳۹۷)	سناریو مطلوب پایان منازعه و آغاز مذاکرات صلح و سناریو محتمل پذیرش فدرالیسم و تجزیه یمن به دو کشور و سناریوی باورپذیر قدرتمند شدن القاعده و داعش و ایجاد امارت اسلامی در یمن است.
کشیشیان و نجف‌آبادی (۱۳۹۸)	آینده بحران یمن در یکی از چهار حالت محتمل است که عبارت‌اند از: ایجاد موازنه قوا میان گروه‌های درگیر و کشورهای حامی آنها، پیروزی یکی از نیروها و دولت‌های حامی آن، یعنی یا دولت مستعفی یمن و یا پیروزی انصارالله، دخالت شورای امنیت ملل متحد برای برقراری آتش‌بس موقت جهت آغاز روند مذاکرات صلح و آشتی ملی.
انصاری (۲۰۲۱)	یمن عرصه نبرد برای هژمونی منطقه‌ای است، جایی که عربستان و ایران از شکاف‌های فرقه‌ای برای پیشبرد دیدگاه‌های خود در جهت رهبری جهان اسلام استفاده می‌کنند.
فرید زکریا (۲۰۲۰)	تأکید افراطی بر فرقه‌گرایی ممکن است گمراه‌کننده باشد؛ زیرا یمن، تاریخی از همزیستی شیعیان زیدی و سنی‌های شافعی دارد و ریشه بحران را باید در ناکارآمدی و فروپاشی حکومت مرکزی و قطبی شدن فضای سیاسی یمن جستجو کرد.

نکته قابل تأمل در پیشینه پژوهش، سناریوهای طراحی شده برای بحران یمن است که تقریباً هیچ‌یک به نتیجه نرسیده است و در پژوهش حاضر تلاش شده است با افزایش شبکه متغیرهای اثرگذار و بررسی پیچیدگی اثرگذاری آنها، سناریوهای جدید و با احتمال وقوع بیشتر شناسایی شوند.

روش‌شناسی پژوهش

چالش عمده سیاستمداران و مدیران در رویارویی با آینده، پیش‌بینی ناپذیری آن است. روش‌های سنتی برنامه‌ریزی که همراه با پیش‌بینی قطعی و بدون غافلگیری بودند، شاید در بازه‌های کوتاه و معینی موفق عمل نمودند، اما با بروز رویدادهای نوظهور و غافلگیرکننده، ناتوانی این روشها مشخص گردید. روش‌های پیش‌بینی آینده متنوع و بر پایه پیش‌فرض‌های گوناگون و در خدمت هدف‌های متنوع هستند. عده‌ای با فرض همسانی رویدادهای گذشته و آینده، با تحلیل گذشته ساده‌ترین آینده‌پژوهی را عرضه می‌دارند. گروهی نیز با منظور داشتن همه متغیرهای ذی‌ربط و توجه به همه روابط متقابل و آثار محتمل متغیرها بر یکدیگر، دست به توصیف مفصلی از آینده می‌زنند. نرم‌افزار سناریو ویزارد^۱ برای انجام محاسبات پیچیده سناریونویسی فراهم شده است. تکنیک تحلیلی این نرم‌افزار به CIB^۲ (تحلیل آثار متقاطع) معروف است و هدف آن بهینه‌سازی سناریوها و قابل اطمینان کردن آنها است (دانیالی، ۱۳۹۸؛ ۳۳).

برای فعالیت در دنیای سرشار از عدم قطعیت، سیاستمداران باید مفروضات خود را درباره مسیر حرکت جهان با پرسش‌های فراوان (اگر اینطور شود چه؟) به چالش بکشند تا بتوانند جهان آینده را واضح‌تر ببینند. هدف برنامه‌ریزی بر پایه سناریو، کمک به رهبران و مدیران برای تغییر نگرش آنها نسبت به (واقعیت‌های پنداری) و نزدیک کردن هرچه بیشتر دیدگاه آنها به (واقعیت‌های موجود) و یا (واقعیت‌های در حال ظهور) است. نتیجه نهایی برنامه‌ریزی بر پایه سناریو، ترسیم نقشه درست و دقیق از آینده نیست، بلکه هدف آن اصلاح و بهبود نظام‌مند تصمیم‌های مربوط به آینده است. پیتر شوارتز، در کتاب (هنر دورنگری)، گام‌های برنامه‌ریزی بر پایه سناریو را به شرح زیر توصیف کرده است:

گام اول: شناخت موضوع و سوال اصلی

گام دوم: فهرست عوامل کلیدی مؤثر

1. Scenario wizard
2. Cross-impact Balance

گام سوم: شناسایی نیروهای پیشران کلیدی
 گام چهارم: طبقه‌بندی بر اساس اهمیت و عدم قطعیت
 گام پنجم: شناسایی عدم قطعیت‌های بحرانی
 گام ششم: تدوین سناریوها
 گام هفتم: تحلیل پیامدها و نتایج هر سناریو
 گام هشتم: انتخاب نشانگرهای راهبردی. (زالی، ۱۳۹۰؛ ۳۷)

استفاده روزافزون از این روش بدین دلیل است که سناریوها، پیچیدگی‌های جهان واقعی را در نظر می‌گیرند و بینش‌های جایگزین در خصوص آینده را، با ترتیبی منطقی از رویدادها بازنمایی می‌کنند. سناریوها تصاویر آینده‌هایی ممکن هستند که ترتیب منطقی رویدادها را نشان می‌دهند. نرم‌افزار سناریو ویزارد برای انجام محاسبات پیچیده سناریونویسی فراهم شده است (نادری و همکاران، ۱۳۹۸؛ ۱۵). لازم به ذکر است که برای داوری از مقیاس کیفی زیر استفاده شده است:

جدول ۲. نمرات در اثرات متقابل سناریونویسی (دانیالی، ۱۳۹۸؛ ۴۱)

اثرگذاری منفی			بدون تاثیر	اثرگذاری مثبت		
قوی	متوسط	ضعیف		ضعیف	متوسط	قوی
-۳	-۲	-۱	۰	+۱	+۲	+۳

بر این اساس و جهت دستیابی به هدف پژوهش که تحلیل دینامیک‌های بحران یمن می‌باشد، و تکنیک سناریوها نویسی انتخاب شده است. این روش شناسی با تأکید نظریه پیچیدگی بر تعاملات غیرخطی و پیامدهای نوظهور همسوست. داده‌های پژوهش در سه مرحله جمع‌آوری شده‌اند: پرسشنامه نخبگان: در این مرحله پنل نخبگان تشکیل می‌شود. معمولاً در طرح‌های آینده‌نگاری این پنل بین ۱۲ تا ۲۰ عضو دارد که بسته به طرح می‌تواند کمتر یا بیشتر از این تعداد نیز باشد. پنل نخبگانی پژوهش حاضر شامل ۱۳ نفر از اساتید دانشگاهی هستند که در مورد یمن مقاله به چاپ رسانده و در این زمینه صاحب نظر هستند. از نخبگان خواسته می‌شود تا مهمترین متغیرهای مسئله مورد پژوهش را از طریق پرسشنامه شماره ۱۱ مشخص کنند.

استخراج متغیرها: از پاسخ‌های پرسشنامه شماره ۱، ۱۶ متغیر در چهار بعد (ژئوپلیتیک، ژئوکالچر، ژئومینیت، ژئواکونومیک) استخراج شدند که در جدول شماره ۱-۱ نشان داده شده‌اند.

1. <https://forms.gle/tiHIUuKEPwD6wHjo9>

این متغیرها از طریق بحث‌های تکراری با پانل اصلاح شدند تا افزونگی‌ها حذف شوند. در ادامه از نخبگان خواسته می‌شود تا تأثیر وقوع متغیر X از بُعد X را بر روی متغیر Y از بُعد Y به صورت عددی از طریق پرسشنامه شماره ۱۲ بیان کنند. این تأثیر می‌تواند از شدیداً محدودکننده (۳-) تا شدیداً تقویت‌کننده (۳+) در یک طیف قرار بگیرد. تأثیر هر متغیر از هر بُعد تنها بر روی متغیرهای سایر ابعاد دیگر سنجیده می‌شود و تأثیر متغیرهایی که در یک بعد مشترک قرار دارند به صورت پیش فرض فاقد اثرگذاری بر یکدیگر در نظر گرفته می‌شوند.

جدول ۳: متغیرهای پژوهش

نمادها	متغیرها	ابعاد
Politic01	ساختار سیاسی ناکارآمد در یمن	ژئوپلیتیک
Politic02	نفوذ سستی عربستان در یمن	
Politic03	نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای در بحران یمن	
Politic04	پشتیبانی جمهوری اسلامی ایران از انصارالله	
Politic05	تشکیل دولت ملی با مشارکت تمامی گروه‌های یمنی	
Politic06	عادی‌سازی روابط اعراب-اسرائیل (پیمان ابراهیم)	
Politic07	توافق ایران و عربستان ۲۰۲۳	
Cultur01	ساختار قبیله‌ای و شکاف مذهبی در یمن	ژئوکالچر
Cultur02	تقویت جایگاه انصارالله در یمن	
Cultur03	تکثیر جریان انقلاب اسلامی در یمن و منطقه	
Secur01	افزایش سطح تنش میان محور مقاومت-اسرائیل	ژئوامنیت
Secur02	حمله ائتلاف نظامی	
Secur03	استمرار جنگ غزه	
Eco01	رفع تحریم و محاصره یمن	ژئواکونومیک
Eco02	بهره‌مندی یمن از ذخایر نفت و گاز و ترانزیت کالا	
Eco03	کاهش فقر و بیکاری در یمن	

استخراج سناریوها: داده‌های استخراج شده از نظرات نخبگان به نرم‌افزار وارد می‌گردد و در نهایت خروجی نرم‌افزار سناریوهایی را مشخص می‌کند که آینده‌های محتمل را به تصویر کشیده

1. <https://forms.gle/rcDh7rMVybepKoZs5>

و به نوعی بر آیندی از نظرات نخبگان می باشد. با استفاده از روش شناسی فوق، چهار سناریوی محتمل برای آینده یمن ترسیم شد.

یافته‌های پژوهش

در بخش خروجی نرم افزار یک سناریو به عنوان ۲۲ سناریو به عنوان سناریوهای قابل تصور در آینده محتمل مشخص گردید. از آنجایی که ۲۲ سناریو را نمی توان به عنوان خروجی در نظر گرفت نیاز هست تا محتمل ترین سناریوهای مشخص گردند. برای این کار از حداکثر ناسازگاری برای خروجی نرم افزار باید استفاده گردد. در ادامه چهار سناریو گرفته شده از خروجی نرم افزار از طریق حداکثر ناسازگاری مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرند.

سناریوی اول: بازگشت به گذشته

جدول ۴. متغیرهای سناریو شماره ۱

متغیرها	ابعاد
نفوذ سستی عربستان در یمن	ژئوپلیتیک
ساختار قبیله‌ای و شکاف مذهبی در یمن	ژئوکالچر
حمله ائتلاف نظامی	ژئوامنیت
رفع تحریم و محاصره یمن	ژئواکونومیک

پیامدهای سناریو: این سناریو بازگشت عربستان به استراتژی نفوذ و سلطه از طریق تشدید حملات هوایی و ائتلاف نظامی، مشابه ۲۰۱۵-۲۰۲۲ و یا تشدید حملات جدید از سوی آمریکا و اسرائیل را تصویر نموده است. پیشینه تاریخی، مانند بازپس گیری عدن در ۲۰۱۵ و مأرب در ۲۰۲۱ توسط ائتلاف عربی، نشان دهنده دستاوردهای کوتاه مدت ارضی و بی ثباتی بلندمدت است. نفوذ مجدد عربستان در ساختار سیاسی یمن منجر به تداوم ساختار قبیله‌ای و شکاف مذهبی در این کشور خواهد شد چرا که این ساختار قبیله‌ای به نوعی زمینه‌ای برای نفوذ و دخالت کشورهای بیگانه ایجاد می کند. این نفوذ مجدد و یا تداوم محاصره یمن، شرایط بشردوستانه را وخیم تر خواهد کرد؛ جایی که بالغ بر ۲۲ میلیون یمنی به کمک نیاز دارند (دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل، ۲۰۲۳). در عین حال همپوشانی سه متغیر بیان شده به سرعت به رفع تحریم و محاصره اقتصادی یمن نیز منجر خواهد شد که اقدامی در جهت بهبود سریع و کوتاه مدت وضعیت یمن خواهد بود. لیکن فعال ماندن شکاف قومی و مذهبی همچنان وضعیت شکننده را باز تولید خواهد نمود.

حساسیت به شرایط اولیه در نظریه پیچیدگی توضیح می‌دهد که چگونه تشدیدهای جزئی، مانند استمرار شکاف قومی - مذهبی، از این توانایی برخوردار است که شرایط جدید را نیز تحت تاثیر قرار دهد. این موضوع با اصل «اثر پروانه‌ای» نظریه آشوب نیز همخوانی دارد.

سناریوی دوم: یمن توانمند

جدول ۵. متغیرهای سناریو شماره ۲

متغیرها	ابعاد
پشتیبانی جمهوری اسلامی ایران از انصارالله	ژئوپلیتیک
تقویت جایگاه انصارالله در یمن	ژئوکالچر
افزایش سطح تنش میان محور مقاومت و اسرائیل	ژئوامنیت
بهره مندی یمن از ذخایر نفت و گاز و ترانزیت کالا	ژئواکونومیک

پیامدهای سناریو: این سناریو حاکمیت انصارالله بر شمال یمن را به تصویر می‌کشد که با پشتیبانی جمهوری اسلامی ایران تقویت می‌شود. همچنین این موضوع می‌تواند به نوعی موجب تقویت جبهه مقاومت در منطقه شده و موجب افزایش سطح تنش میان محور مقاومت و رژیم صهیونیستی گردد. در صورتی که انصارالله بتواند به با به درآمدهای نفتی دسترسی پیدا نماید (یمن ۳ میلیارد بشکه ذخایر نفت دارد)، انصارالله می‌تواند ساختارهای حکمرانی را تأمین مالی کند و بحران انسانی در این کشور را کاهش دهد. با این حال، به احتمال زیاد جدایی طلبان جنوب (STC) و القاعده در شبه جزیره عربستان (AQAP) در برابر هژمونی انصارالله مقاومت خواهند کرد و درگیری‌های محلی کم‌و بیش تداوم می‌یابد.

اصل خودسامان‌دهی در نظریه پیچیدگی توضیح می‌دهد که چگونه انصارالله علیرغم فشارهای خارجی، مکانیسم‌های داخلی حکمرانی (مانند دلت نجات ملی، سیستم‌های بانکی، مالیاتی و دادگاه‌ها) را ایجاد کرده است. در عین حال مسئله تأمین مالی در این سناریو مسئله مهمی تلقی می‌شود که در اثر تحریم و ممانعت از فروش نفت به وجود آمده است و تنگنای مالی برای انصارالله ایجاد نموده است.

سناریوی سوم: تداوم وضعیت موجود

جدول ۶. متغیرهای سناریو شماره ۳

متغیرها	ابعاد
پشتیبانی جمهوری اسلامی ایران از انصارالله	ژئوپلیتیک
ساختار قبیله‌ای و شکاف مذهبی در یمن	ژئوکالچر
افزایش سطح تنش میان محور مقاومت- اسرائیل	ژئوامنیت
بهره‌مندی یمن از ذخایر نفت و گاز و ترانزیت کالا	ژئواکونومیک

پیامدهای سناریو: با حمایت انصارالله از حماس و بستن تنگه باب‌المنندب بر کشتی‌های اسرائیلی حملات نظامی آمریکا و اسرائیل به یمن افزایش پیدا کرده و با پشتیبانی ایران از انصارالله، این موضوع ممکن است به یک جنگ تمام‌عیار در منطقه منجر گردد. بن‌بستی طولانی‌مدت شکل می‌گیرد که هیچ طرفی به پیروزی قطعی نمی‌رسد. شرایط بشردوستانه وخیم‌تر می‌شود، همچنین شیوع وبا به دلیل فروپاشی نظام بهداشتی افزایش می‌یابد (WHO, 2023). تلاش‌های صلح بین المللی، مانند مذاکرات صلح انصارالله و عربستان تحت نظر سازمان ملل و کمک‌های بشردوستانه با توجه به اولویت‌های دیگر (مانند شرایط وخیم غزه) کاهش می‌یابد. در این شرایط بحران یمن به یک وضعیت اضطراری دائمی تبدیل می‌شود چراکه همچنان شکاف قومی و مذهبی نیز در پی آغاز جنگ داخلی است. این سناریو مطابق با نظریه آشوب (کاوالسکی، ۲۰۲۳) است، جایی که سیستم میان نظم و بی‌نظمی در نوسان است.

سناریوی چهارم: آشتی ملی

جدول ۷. متغیرهای سناریو شماره ۴

متغیرها	ابعاد
تشکیل دولت ملی با مشارکت تمامی گروه‌های یمنی	ژئوپلیتیک
تقویت جایگاه انصارالله در یمن	ژئوکالچر
استمرار جنگ غزه	ژئوامنیت
بهره‌مندی یمن از ذخایر نفت و گاز و ترانزیت کالا	ژئواکونومیک

پیامدهای سناریو: صلحی شکننده از طریق توافق تقسیم قدرت میان انصارالله (تحت حمایت ایران)، STC (تحت حمایت امارات) و شورای ریاست جمهوری (تحت حمایت عربستان) شکل می‌گیرد. امارات و عربستان مشارکت انصارالله در حکمرانی را می‌پذیرند، در حالی که ایران حمایت نظامی خود را کاهش می‌دهد تا از واکنش منطقه‌ای اجتناب کند. بهبود اقتصادی از طریق رفع تحریم‌ها و صادرات نفت آغاز می‌شود که ممکن است در تقویت جایگاه انصارالله نیز تأثیر مثبتی ایجاد کند.

این سناریو بازتاب اصل ثبات پویا در سیستم‌های پیچیده است، جایی که سیستم‌ها به سمت ثبات موقت گرایش می‌یابند.

جدول ۸. تحلیل تطبیقی سناریوها

ردیف	سناریوها	تأثیر منطقه‌ای	چشم‌انداز کاهش بحران
۱	بازگشت به گذشته	تشدید تنش‌های منطقه‌ای	بهبود موقتی
۲	یمن توانمند	کاهش نفوذ عربستان	بهبود تدریجی
۳	تداوم وضعیت موجود	تداوم بی‌ثباتی	وخامت
۴	آشتی داخلی	تثبیت موقت	بهبود نسبی

نکته‌ای مهمی که در میان عوامل تأثیرگذار بر بحران یمن بایست به‌طور ویژه بدان توجه نمود، وضعیتی است که برای اثرگذاری توافق ایران و عربستان بر بحران یمن به دست آمده است. از آنجا که در بدو انجام توافق چنین فرض میشد که عاملی تأثیرگذار بر بحران یمن شکل گرفته است، لیکن بررسی اثرگذاری آن در شبکه‌ای از متغیرها و پیچیدگی حاصل از آن، مشخص ساخته است که توافق ایران و عربستان ۲۰۲۳، در هیچ یک از سناریوهای موجود در آینده قابل تصور در کاهش بحران یمن قرار نگرفته است. اما این موضوع به این معنا نیست که توافق ایران و عربستان هیچ تأثیری در کاهش بحران در یمن نداشته و یا نخواهد داشت.

ضعف اصلی توافق صورت گرفته، ناتوانی آن در پرداختن به شکاف‌های داخلی در یمن است. صحنه سیاسی یمن توسط بازیگرانی مانند انصارالله و STC در حال حاضر کنترل می‌شود که قدرت خود را از اتحادهای قبیله‌ای و مقاومت در برابر اقتدار مرکزی گرفته‌اند. نظریه پیچیدگی نشان می‌دهد چنین سیستم‌هایی در برابر راه‌حل‌های از بالا به پایین مقاومت می‌کنند، زیرا بازیگران

محلی برای پر کردن خلا حکمرانی خودسامان‌دهی می‌کنند. برای مثال، تثبیت قدرت انصارالله در شمال یمن علیرغم بمباران‌های عربستان نمونه‌ای از تاب‌آوری انطباقی است، جایی که گروه‌ها تحت فشار خارجی با غیرمتمرکزسازی تصمیم‌گیری رشد می‌کنند. توافق ایران و عربستان، اگرچه پویایی‌های نیابتی را کاهش می‌دهد، کمکی به آشتی ساختارهای قدرت محلی نمی‌کند.

بر این اساس توافق دیپلماتیک ایران و عربستان سعودی تسهیل‌کننده مذاکرات صلح میان طرف‌های درگیر در یمن بوده است، اما به معنای حل بحران در این کشور نیست. بسیاری انتظار داشتند تا توافق تهران و ریاض، در بحران یمن هم بلافاصله تاثیر مثبتی بگذارد اما برقراری روابط دیپلماتیک ایران و عربستان، الزاما به معنای همسویی همه سیاست‌های دو کشور در تمامی مسائل نیست. در حال حاضر و در منطقه حساسی مانند غرب آسیا نیاز هست که مسائل به صورت تفکیک شده مورد بازبینی قرار گیرند و همچنین تنش‌های منطقه‌ای مجزا از روابط سیاسی و دیپلماتیک درک شوند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هر بحران به‌ویژه در وضعیتی که عوامل داخلی و بین‌المللی در آن فعال باشند، تحت تاثیر عوامل بسیار متعدد و حتی متضادی قرار می‌گیرد که جهت بررسی توأمان حداکثر متغیرها بایست پیچیدگی موجود به لحاظ نظری و روشی مورد توجه قرار گیرد. در پژوهش حاضر برای بررسی شبکه متغیرهای مؤثر بر بحران یمن، با استفاده از نظریه پیچیدگی و روش آینده‌پژوهی که اثرات متقابل متغیرها را بررسی می‌نماید، این مسئله مورد بررسی قرار گرفت که بر اساس فرایندهای طی شده و وضعیت موجود چه سناریوهای احتمالی برای آینده یمن وجود دارد. نتیجه بررسی حاکی از آن بود که شکاف‌های اجتماعی و سیاسی موجود در یمن که صحنه سیاسی یمن را همچنان میان انصارالله، شورای رهبری ریاست‌جمهوری و جدایی‌طلبان جنوبی تقسیم نموده است پیشران اصلی در استمرار بحران محسوب می‌گردد و در غیاب متغیر «دولت وحدت ملی»، تلاش‌های دیگر در بهبود وضعیت ناتوان خواهند بود. برای صلح پایدار در یمن، چارچوب‌های فراگیر تقسیم قدرت باید جایگزین مدل‌های حذف‌گرایانه شوند که گروه‌های کلیدی را به حاشیه می‌رانند. تجربه شکست خورده مذاکرات کویت در ۲۰۱۶، که انصارالله را نادیده گرفت، خطرات چنین رویکردی را آشکار می‌نماید. همچنین فروپاشی اقتصادی یمن که در نتیجه محاصره عربستان و

ناتوانی سازمان‌های بین‌المللی در ارائه کمک‌های مؤثر تشدید شد، نیازمند توجه فوری است. بهبود شرایط اقتصادی در گرو احیای حاکمیت یمن بر منابع، از جمله ذخایر نفتی مأرب تحت کنترل عربستان، است. این موضوع با خواست جامعه مدنی و نخبگانی یمن برای «اصلاحات از پایین به بالا» که نیازهای محلی را بر برنامه‌های ژئوپلیتیک اولویت می‌دهد، همسوست. همچنین حمله ۷ اکتبر حماس، پیچیدگی بحران یمن را افزایش داد و وابستگی متقابل در سیستم‌های پیچیده را نشان داد. حملات موشکی انصارالله به کشتی‌های اسرائیلی در دریای سرخ به جهت همبستگی با مردم غزه موجب ضدحمله‌های آمریکا و بریتانیا شد. همچنین با فروکش کردن جنگ غزه و آتش‌بس در لبنان اکنون توجهات مجدداً به یمن جلب شده، جایی که حملات مکرر آمریکایی‌ها به تأسیسات یمن و حمله متقابل انصارالله به ناوهای آمریکایی می‌تواند منجر به جرقه جنگی تمام‌عیار در منطقه غرب آسیا گردد. در چنین شرایطی است که ایران و عربستان به‌عنوان دو نیروی تأثیرگذار در بین گروه‌های معارض یمنی از نقش ثانویه‌ای برخوردار هستند که می‌توانند از طریق ترغیب طرفین بحران، تنش‌های موجود را مدیریت نمایند و از این طریق به کاهش بحران در یمن یاری رسانند.

تضاد منافع

تعارض منافع ندارم.

قدردانی

تشکر از اساتید دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد به خصوص خانم دکتر فاطمه محروق استادیار روابط بین‌الملل این دانشکده

فهرست منابع

- Esmailnasab, H.** (2016). The impact of UN Security Council Resolution 2216 on the implementation of international humanitarian law in the Yemen crisis. *International Studies Journal*, 13(1), 127–157. (In Persian)
- Amiri, S., & Kiani, J.** (2017). *Domestic, regional, and extra-regional origins of Yemen's geopolitical crisis*. *Journal of Political Strategy (Rahbord-e Siyasi)*, 1(2), 25–57. (In Persian)
- Pordanesh, S. S., Ghafari Hashjin, Z., & Bagheri Dowlatabadi, A.** (2022). *Examining the causes of the persistence of the Yemen crisis based on structuration theory (2011–2021)*. *Political Sociology of the Islamic World*, 10(20), 29–64. (In Persian) DOI: 10.22070/iws.2022.15712.2166
- Danyali, S., & Sharifzadegan, M. H.** (2020). *Strategic urban development planning based on a scenario planning approach: A case study of Qazvin City*. *Journal of Geographical Engineering of Territory*, 3(6), 31–47. (In Persian)
- Zarei Darameroodi, H., Mohammadi, H. R., & Azizzadeh Tasouj, M.** (2022). *Geopolitical analysis of conflict-based behavior patterns and interactions in Iran–Saudi Arabia relations*. *Journal of Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 4(2), 83–106. (In Persian) DOI: 10.22034/FASIW.2022.336873.1139
- Zali, N.** (2011). *Strategic foresight and regional policy-making with a scenario planning approach*. *Quarterly Journal of Strategic Studies*, 14(54), 33–54.
- Rostami, F., Lotfi, K., & Pirmohammadi, S.** (2018). *War of powers in Yemen and the security of the Islamic Republic of Iran*. *Quarterly Journal of International Relations Studies*, 11(4) [Issue 41], 9–35. (In Persian)
- Safavi, S. H., & Bejjani, M.** (2016). *Geopolitical roots of Saudi Arabia's military aggression against Yemen*. *Afagh-e Amniat (Security Horizons)*, 9(30), 145–172. (In Persian)
- Alavi Vafa, S., & Araghchi, S. A.** (2019). *Strategic environmental analysis of the Yemen crisis and simulation of future trends using fuzzy cognitive mapping*. *Strategic Defense Studies Quarterly*, 17(76), 185–212. (In Persian)
- Faraji, M. R., & Ghasemi, F.** (2017). *Complex adaptive systems theory: An analytical tool for order in complex and chaotic environments*. *Global Politics (Siāsat-e Jahāni)*, 6(3), 7–40. (In Persian)
- Ghasemi, F.** (2021). *Complex-chaotic international systems and the new theory of network defense diplomacy*. *Iranian Journal of International Politics*, 9(2), 263–295. (In Persian) DOI: 10.22067/irlip.2021.68320.1017
- Ghasemi, F.** (2018). *Transition in complex-chaotic international systems: Iran*. *Strategic Policy Research Journal*, 6(24), 157–190. (In Persian)
- Voghoofi, O.** (2020). *The future political scenarios of Yemen up to 2029*. *Afagh-e Amniat (Security Horizons)*, 13(49), 85–113. (In Persian)
- Armed Conflict Location & Event Data Project (ACLED).** (2023). *ACLED database*.
- Al-Otaibi, S. Z.** (2020). *The impact of Arab Revolution on the security of the Arabian Gulf: The Yemeni Revolution as a model*. *Review of Economics and Political Science*, 5(2), 136–148. DOI: 10.1108/REPS-02-2019-0022
- Nikopoulou, A.** (2018). *The Saudi-Iranian antagonism: The case of Yemen* (Master's thesis). Faculty of Social and Political Sciences, University of Peloponnese, Greece.
- Ali, H. S.** (2023). *Saudi–Iranian rapprochement and its implications for the security and stability of the Middle East: A case study of Yemen and Syria*. *Jurnal Tapis: Jurnal Teropong Aspirasi Politik Islam*, 19(2), 26–54. DOI: 10.24042/tps.v19i2.17713

- Li, N.** (2023). *Saudi Arabian-led intervention in Yemen conflicts*. *Global Journal of Arts, Humanities and Social Sciences*, 11(1), 46–64.
- Fisher-Onar, N., & Kavalski, E.** (2022). *From trans-Atlantic order to Afro-Eur-Asian worlds? Reimagining international relations as interlocking regional worlds*. *Global Studies Quarterly*, 2(4), ksac080. DOI: 10.1093/isagsq/ksac080
- International Crisis Group.** (2023). *Yemen: Averting a return to war* (Middle East Report No. 234). Brussels: International Crisis Group.
- World Bank.** (2023). *Yemen Economic Monitor, Fall 2023: Navigating increased hardship and renewed hope*. Washington, DC: World Bank.
- United Nations Panel of Experts.** (2023). *Final report on Yemen* (Report S/2023/833). New York: United Nations Security Council.
- Salisbury, P.** (2015). *Yemen and the Saudi–Iranian “Cold War”*. Research Paper. Middle East and North Africa Programme, Chatham House – The Royal Institute of International Affairs.
- Salisbury, P.** (2023, September 20). *Misunderstanding Yemen*. International Crisis Group.
- Ansari, D., & Montes De Oca León, M.** (2021). *What drives Saudi airstrikes in Yemen? An empirical analysis of the dynamics of coalition airstrikes, Houthi attacks, and the oil market*. EADP Discussion Paper No. 2021-02. Berlin: Energy Access and Development Program.
- Kavalski, E.** (2007). *The fifth debate and the emergence of complex international relations theory: Notes on the application of complexity theory to the study of international life*. *Cambridge Review of International Affairs*, 20(3), 435–454. DOI: 10.1080/09557570701574154
- Kavalski, E.** (2012). *Waking IR up from its “deep Newtonian slumber”*. *Millennium: Journal of International Studies*, 41(1), 137–150. DOI: 10.1177/0305829812451717
- Kavalski, E.** (2023). *Encountering the complexity of global life*. In E. Korosteleva & I. Petrova (Eds.), *Resilient Communities of Central Eurasia: Responding to change, complexity and the visions of “the good life”* (pp. 60–74). Routledge.
- Ma, S. Y.** (2007). *Political science at the edge of chaos? The paradigmatic implications of historical institutionalism*. *International Political Science Review*, 28(1), 57–78. DOI: 10.1177/0192512107070403
- Serrat, O.** (2017). *Understanding complexity*. In O. Serrat (Ed.), *Knowledge solutions: Tools, methods, and approaches to drive organizational performance* (pp. 345–353). Singapore: Springer. DOI: 10.1007/978-981-10-0983-9_40
- Bousquet, A., & Curtis, S.** (2011). *Beyond models and metaphors: Complexity theory, systems thinking and international relations*. *Cambridge Review of International Affairs*, 24(1), 43–62. DOI: 10.1080/09557571.2011.558054
- Riedel, B.** (2020). *Saudi Arabia’s role in the Yemen crisis*. In S. W. Day & N. Brehony (Eds.), *Global, regional, and local dynamics in the Yemen crisis* (pp. 115–130). Cham: Palgrave Macmillan. DOI: 10.1007/978-3-030-35578-4_7
- Zimmerman, K.** (2022). *Yemen’s Houthis and the expansion of Iran’s Axis of Resistance*. Washington, DC: American Enterprise Institute.

